



امنیت را می‌توان یکی اهداف نهایی سیاستگذاری عمومی دانست که در همه حوزه‌های سیاستگذاری مورد توجه سیاستگذاران قرار داشته و نیات، اهداف و انگاره‌های ذهنی حکمرانی سیاسی را نیز به خود مشغول می‌سازد. رابطه امنیت و سیاستگذاری دارای چرخه‌ای از کنش و واکنش است. گاهی سیاستگذاری موفق نتیجه امنیت و گاه امنیت پیامد سیاستگذاری مطلوب تعریف می‌شود. امنیت در سیاستگذاری عمومی دارای تعاریف، بسترهای گوناگون و فراگیر برای حکمرانی سیاسی است. امنیت اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، سیاسی، اجتماعی، خارجی و ژئوپلیتیک، زیست محیطی و... تا امنیت روانی که ترکیب همه این مؤلفه‌ها در افکار عمومی با عنوان احساس امنیت مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد. احساس امنیت که در عصر پسمادرن کنونی بسیار فراتر از امنیت فیزیکی عصر مدرن و پیشامدرن محسوب می‌شود، مؤلفه‌ای است که زندگی در دهکده جهانی را دستخوش تغییرات و تنش‌های بی‌شمار کرده است. احساس امنیت در جهانی که بیشتر سیاست‌ها، تاکتیک‌ها، ابزارها و فناوری‌ها برای تولید و تأمین امنیت طراحی و به‌کار گرفته شده‌اند، گوهر کمیاب سیاستگذاری عمومی به‌خصوص سیاستگذاری راهبردی است. سیاستگذاری راهبردی همه بازیگران نظام جهانی در ابعاد داخلی و خارجی بر تولید و افزایش امنیت متمرکز بوده، شکل‌گیری نظم و هم‌وزن منطقه‌ای و جهانی نیز تنها از مسیر توانمندی و اثربخشی امنیت امکان پذیر است. در چنین شرایطی است که احساس امنیت بر امنیت فیزیکی برتری یافته و بازیگران نظام جهانی را به تمرکز بر رویکردهای احساس‌گرا در حوزه امنیت متمایل کرده است. در جهان آشوبناک کنونی که احساس امنیت برای شهروندان به کالایی گران و کمیاب بدل شده، برخی محورهای سیاستگذاری امنیتی احساس‌گرا که بر سیاست احساس ناامنی استوار است را می‌توان چنین کالبدشکافی کرد: نخست، احساس ناامنی اروپا و تهاجم روسیه به اوکراین؛ قاره اروپا با وجود آرامش و صلح نسبی چند دهه اخیر که البته با برخی رویداد‌های خونبار قومی و نژادی مانند نسل‌کشی مسلمانان بوسنی و هرزگوین مخدوش شده، دارای پیشینه‌ای از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین بنیان‌های ناامنی جهان در چند قرن اخیر بوده است. همان‌گونه که صلح و استقلال ۱۶۴۸ را طلع نظم نوین جهانی و برآمدن محورهای سیاستگذاری امنیتی احساس‌گرا که بین‌المللی می‌دانند که خود پیامد جنگ‌های ۳۰ ساله مذهبی اروپا بوده، ظهور دولت‌ها و حاکمانی مانند ناپلئون، هیتلر، موسولینی، استالین و... که عامل شکل‌گیری جنگ‌های بزرگ به‌ویژه جنگ‌های اول و دوم جهانی بودند، اروپا را به مرکز ناامنی جهانی و انتشار احساس ناامنی در ابعاد جهانی تبدیل کرده است. جهانی‌سازی احساس ناامنی را می‌توان ازجمله ظرفیت‌های جهانی اروپا در سده‌های اخیر قلمداد کرد که همواره در حال بازنگری و زایش مجدد است. اکنون با گذشت ۲ دهه از قرن بیست و یکم نیز شاهد شکل‌گیری و ظهور موج جدیدی از انگاره‌های ناامنی و فراگیری احساس ناامنی در اروپا هستیم که تمام سیاست‌ها و اندیشه‌های امنیت‌محور غربی و اروپایی را مخدوش کرده است. احساس ناامنی فراگیری که اروپا را فرا گرفته، با برچسب‌های تهدید جنگ جهانی، حمله اتمی، آرمادگدن و... ترس سنگینی بر افکار عمومی شهروندان اروپایی وارد کرده و اروپایی پیشرفته و مدعی را در احساس ناامنی غرق کرده است؛ تهاجم روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ و عدم توانایی غرب در پایان دادن به این جنگ یا شکست دادن روسیه بعد از گذشت نزدیک به دو سال، در دو محور: تحریک افکار علیه روسیه و احساس ناتوانی و ناکارآمدی دولت‌ها از برقراری امنیت در اروپا، سبب شده تا داعاها و سیاست‌های گوناگون دولت‌های اروپایی پیرامون امنیت، باطل شده و دروغین قلمداد شوند. دوم؛ فروپاشی امنیت راهبردی و احساس ناامنی در مقابل محور مقاومت؛ بازرتزین مؤلفه پیدایش و تقویت احساس ناامنی جهانی را می‌توان جنگ غزه ۲۰۲۳ دانست که از عملیات شگفت‌انگیز شبانه حماس به شهرهای اسرائیلی آغاز شد، با پاسخ شدید اسرائیل در ویرانی فراگیر غزه و کشتار بی‌سابقه شهروندان فلسطینی همراه شده و چرخه ستیز شدید منطقه‌ای و جهانی را شکل داده است. چرخه ستیز فراگیر و شدید در آسیای جنوب غربی که به تقابل نظامی محدود و کنترل شده محور مقاومت با اسرائیل، انگلیس و ایالات متحده آمریکا در آسیای جنوب شرقی و جرسه جهانی داشته است. چرخه جنگ که با تهاجم ۷ اکتبر حماس، پاسخ اسرائیل در غزه، جنگ کنترل شده حزب... لبنان و اسرائیل، تهاجم موشکی یمن به شهرهای اسرائیل، حمله موشکی حزب... و سایر گروه‌های مقاومت عراق به اسرائیل و پایگاه‌های آمریکا در عراق و سوریه که با حملات یمن به کشتی‌های اسرائیلی در دریای سرخ به اوج خود رسیده و در نهایت واکنش ایالات متحده آمریکا و انگلیس در قالب حملات موشکی مکرر به خاک یمن را سبب شد، سایه ناامنی را در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، امنیتی و... بر جهان افکنده و احساس ناامنی فراگیر مانند یک جنگ جهانی را بر افکار جهانی مسلط کرده است. سوم؛ فشار مضاعف تهدید تهاجم چین به تایوان؛ بخش دیگری از مؤلفه احساس ناامنی جهانی را می‌توان در شرق آسیا و تهدید تهاجم چین به تایوان مشاهده کرد که فشاری دوچندان بر امنیت بین‌المللی داشته و احساس ناامنی را تشدید و نمایش جهانی داده است. نبرد ژئوپلیتیک غرب و شرق به رهبری ایالات متحده آمریکا و چین در شرق آسیا، احتمال تهاجم چین به تایوان را تقویت کرده و احساس امنیت را به کالایی گران و نایاب در این منطقه بدل ساخته که نظم جهانی و الگوی استاندارد غربی قدرت جهانی را تضعیف کرده است. در چنین وضعیتی است که احساس ناامنی از انگاره‌های ذهنی، به یک سیاست راهبردی و عملیاتی برای بازیگران این منطقه تغییر ماهیت و شکل داده است.

زهرانژادبهرام در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

هراس از آینده مهاجرت نخبگان را افزایش داده است

ثروت انسانی کشور با مهاجرت در معرض خطر است

معارض خطر است

فشار زندگی نخبگان جامعه را به سمت مهاجرت سوق داده است



آرمان ملی - احسان انصاری: چرا میزان مهاجرت نخبگان در کشور در حال افزایش است؟ چرا میل به مهاجرت از دانشجویان به دانش‌آموزان رسیده است؟ مهم‌ترین دلیل مهاجرت پزشکان چیست؟ این مهاجرت‌ها چه پیامدهایی برای کشور دارد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با زهرانژادبهرام، عضو سابق شورای شهر تهران گفت‌وگو کرده است. نژادبهرام معتقد است: «بر اساس آخرین آمار انتشار یافته در برخی از سایت‌ها نزدیک به ۷۰ درصد نیروهای متخصص وارد فرایند مهاجرت شده‌اند. این اتفاق به معنای این است که در آینده نزدیک با محدودیت متخصصان در همه حوزه‌ها روبه‌رو هستیم و کشور به رغم سرمایه‌گذاری کلان در این امر با نوعی دشواری متخصص روبه‌رو خواهد شد. نگرانی این بخش بیشتر از آنجاست که عرصه پزشکی نیز جدا از این امر نبوده و مساله بهداشت و درمان که طی سی سال گذشته جزء نقاط قوت کشور محسوب می‌شد، اکنون با مهاجرت پزشکان و پرستاران به سوی مشکلات جدی حرکت می‌کند. براساس آمارها به گفته یکی از مسئولان درسال گذشته بیش از سه تا ۴ هزار پزشک مهاجرت کرده‌اند. در این میان مهاجرت سایر تخصص‌های نظیر استارت‌آپ‌ها و... نیز قابل تامل است.» در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

چرا میزان مهاجرت روبه افزایش است؟ مهم‌ترین دلیل مهاجرت نخبگان را چه می‌دانید؟

عوامل اجتماعی و اقتصادی در کنار عوامل محیطی و فیزیکی فرایند مهاجرت را تسریع و دغدغه برای آینده را افزایش می‌دهد. در واقع، شهروند جس ثلث خود را در بستر آینده قابل پیش‌بینی در کنار وضعیت رو به جلو تعریف می‌کند و یقیناً حس سرزندگی و میل به تداوم اقامت در محل زندگی برایش جدی‌تر و با اهمیت‌تر است. کم‌توجهی به هویت فردی و جمعی در کنار مسائل متعدد فیزیکی و اجتماعی و تعاملی در جامعه در بستر اقتصاد غیرقابل پیش‌بینی تصویری نامتجان از آینده را برای همه اقشار اعم از نخبه و عادی ایجاد کرده است. بی‌توجهی به این مهم امری قابل تامل است. سال گذشته بعد از مصاحبه مسئول رصد مهاجرت با رسانه‌ها ما موی از نگرانی برپا شد، اما اتفاق خاصی صورت نگرفت. مگر آنکه سعی در تعطیلی مرکز رصد مهاجرت آمد و سپس از آن صورت مساله پاک شد. این در حالی است که بر اساس آخرین گزارش منتشر شده از سوی مرکز رصد مهاجرت از میان ۵ گروه مورد بررسی شامل اساتید و نخبگان، دانشجویان، پزشکان و پرستاران و استارت‌آپ‌ها جملگی اصلی‌ترین دلیل برای عدم مهاجرت را میل و علاقه به پیشرفت کشور و ساختن آن دانسته‌اند. این امر کلیدواژه‌ای است که باید سیاستگذاران و تصمیم‌سازان را به وجد آورد، اما به دلیل بی‌توجهی به این عامل که مهم‌ترین عنصر برای بهبود شرایط کشور است شاهد افزایش مهاجرت‌ها هستیم. نیروهایی که کشور برای بالندگی و رشد آنها هزینه بسیار کرده به دلیل بی‌توجهی به نیازها و انتظارات آنها در پی آینده دست به مهاجرت می‌زنند. واقعیت این است که اغلب کسانی که مهاجرت می‌کنند نه برای درآمد بالا که شاید مهم هم باشد، بلکه از نامشخص بودن وضعیت خود و آینده و عزیزان‌شان دست به مهاجرت می‌زنند و رنج دوری از وطن و علایق خود را به تن می‌خرند. رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک با اشاره به اینکه ریشه مهاجرت بی‌آیندگی است تصویری متفاوت را از مهاجرت نخبگان و افراد عادی ارائه کرد. تصویری که اگر در کنار نتایج بررسی‌های مرکز مطالعات شهری تهران قرار بگیرد، نشان از مساله‌ای ریشه‌ای در نیاز و انتظار شهروندان کشور برای آینده است.

مطالعات شهری تهران در این زمینه چه می‌گوید؟

بر اساس نظرسنجی مرکز مطالعات شهر تهران درصد بسیار بالایی از تهرانی‌ها «سرزنده» نیستند. پیش‌تر نیز مرکز پژوهش‌های مجلس با انجام مطالعه‌ای با موضوع مشابه درباره وضعیت «کیفیت زندگی» در تهران اعلام کرد وضعیت شاخص «فشار محیط زیستی» در تهران عدد میانگین ۳۲۳ است که به معنای «اوج بحران عدم دسترسی به محیط زیست و خدمات شهری مناسب» است. در آن گزارش اعلام شده بود که اگر این شاخص در سطح ۱۰۰ باشد «مطلوب» است؛ اما عدد بالای ۳۰۰ به معنای «فشار زیاد» و رضایت‌بخش نبودن وضعیت سکونت است. گزارش جدید مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران نشان دهنده آن است که در سال ۱۴۰۱ برای دومین سال متوالی، کیفیت زندگی در شهر تهران،

واقعیت این است که اغلب کسانی که مهاجرت می‌کنند نه برای درآمد بالا که شاید مهم هم باشد و بلکه از نامشخص بودن وضعیت خود و آینده و عزیزان‌شان دست به مهاجرت می‌زنند و رنج دوری از وطن و علایق خود را به تن می‌خرند. رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک با اشاره به اینکه ریشه مهاجرت بی‌آیندگی است تصویری متفاوت را از مهاجرت نخبگان و افراد عادی ارائه کرد. تصویری که اگر در کنار نتایج بررسی‌های مرکز مطالعات شهری تهران قرار بگیرد، نشان از مساله‌ای ریشه‌ای در نیاز و انتظار شهروندان کشور برای آینده است

آشکار شدن شکاف اروپا و آمریکا بر سر حمله به یمن

در حالی که پیش‌بینی می‌شد اروپایی‌ها با ائتلاف آمریکا علیه یمنی‌ها همراهی کنند؛ اما شکاف بین کشورهای عضو ناتو در چگونگی مواجهه با انصار... آشکارتر از هر زمانی است. خبرنگاران به بررسی دلایل واکنش‌های کناره‌گیری اروپایی‌ها از جنگ با یمن پرداخته است. ایتالیا، اسپانیا و فرانسه با شرکت نکردن در حملات آمریکا و بریتانیا علیه یمن و حتی امضا نکردن بیانیه‌ای که توسط ۱۰ کشور در توجیه این حمله منتشر شده است، برجسته شده‌اند. این واگرایی نشان‌دهنده اختلافات در غرب بر سر چگونگی برخورد با یمنی‌هاست که هفته‌ها کشتی‌های در مسیر اسرائیل را در دریای سرخ هدف قرار داده‌اند و با این کار می‌گویند اعتراض به حمله نظامی اسرائیل به غزه را وارد حمله نظامی کردند. آن چنان که اعلام شده هلند، استرالیا، کانادا و بحرین از این عملیات پشتیبانی لجستیکی و اطلاعاتی کردند. علاوه بر این، آلمان، دانمارک، نیوزیلند و کره جنوبی بیانیه مشترکی را با این ۶ کشور امضا کردند و از حملات شبانه دفاع کردند و هشدار دادند که اگر ارتش یمن عقب‌نشینی نکنند، اقدامات بیشتری برای حفاظت از جریان آزاد تجارت دریای سرخ انجام خواهد شد. در این میان برخی کشورهای اروپایی از مشارکت در ائتلاف آمریکا علیه یمن خودداری کردند. نخست‌وزیر ایتالیا می‌گوید ایتالیا از امضای این بیانیه خودداری کرده است. با این حال، مقامات دولتی ایتالیا به رسانه‌ها گفتند که از ایتالیا خواسته شده بود که در آن شرکت کند، اما به دلیل رد شد؛ اولاً به این دلیل که هر گونه دخالت ایتالیا نیاز به تصویب پارلمان داشت که زمان می‌برد، و دوم به این دلیل که رم ترجیح می‌داد سیاست «ارامش‌بخش» را در دریای سرخ دنبال کند. فرانسه دیگر کشور اروپایی بود که در حمله انگلیس و آمریکا به یمن مشارکت نداشت. مقامات فرانسوی می‌گویند پاریس نگران است که با پیوستن به حمله به رهبری آمریکا، هرگونه اهرم فشاری را که در مذاکرات برای کاهش تنش بین حزب... و اسرائیل دارد، از دست دهد. فرانسه در هفته‌های اخیر بیشتر دیپلماسی خود را بر اجتناب از تشدید تنش در لبنان متمرکز کرده است. وزارت امور خارجه فرانسه با اشاره به حمایت ضمنی اطلاعاتی از اقدام آمریکا، بیانیه‌ای صادر کرد و گفت یمنی‌ها مسئولیت تشدید تنش‌ها را بر عهده دارند. با این حال، یک دیپلمات فرانسوی به رسانه‌ها گفته که پاریس معتقد نیست که این حمله می‌تواند دفاع مشروع از خود باشد. اسپانیا دیگر کشور اروپایی بود که در حمله ائتلاف به یمن مشارکت نداشت. مازگاریا رولیز، وزیر دفاع اسپانیا گفته مادرید به اقدام نظامی در دریای سرخ ملحق نشده زیرا می‌خواهد صلح را در منطقه ترویج کند و اسپانیا همیشه به صلح و گفت‌وگو متعهد خواهد بود. در اوایل این هفته، گونیدو کراستو، وزیر دفاع ایتالیا، بی‌میلی خود را برای هدف قراردادن یمن روشن کرد و به خبرنگاری رومیتز گفته که تجاوز آنها باید بدون ایجاد جنگ جدید در منطقه متوقف شود.

همکاری اطلاعاتی کشورهای اروپایی با ائتلاف آمریکا

نظرات متفاوت در غرب در مورد چگونگی مقابله با تهدید انصار الله یمن هنگامی مطرح شد که ایالات متحده و تعدادی از متحدانش عملیاتی با عنوان «نگهبان راه» برای محافظت از کشتی‌های غیرنظامی و در خطوط حمل و نقل شلوغ دریای سرخ آغاز کردند. ایتالیا، اسپانیا و فرانسه این مأموریت را امضا نکردند و تمایلی به قرار دادن کشتی‌های دریایی خود تحت فرماندهی آمریکا نداشتند. یک فرمانده ارشد فرانسوی به رسانه‌ها گفته؛ چون نیروهای مسلح یمن همچنان کشتی‌هایی را که به سرزمین‌های اشغالی فلسطین می‌روند، هدف قرار می‌دهند، نیروهای دریایی کشتی‌های عبوری را دریای سرخ را که با منافع فرانسه همسو هستند همراهی می‌کنند. در اسرائیل اما ناتو سلسله در گفت‌وگو با خبرنگاران گفته که نیروهای فرانسوی کلاحتات کنترل فرانسه هستند و مأموریت فعلی فرانسه شامل حمله مستقیم به نیروهای مسلح یمن نیست. با این حال، این فرمانده نظامی گفته که فرانسه همچنین با تبادل اطلاعات با ایالات متحده در منطقه همکاری می‌کند. همکاری اطلاعاتی کشورهای اروپایی با ائتلاف آمریکا بخشی از طرح آنها برای مقابله با یمن است و اگرچه در ابعاد به‌کارگیری جنگ افزارها مشارکت ندارند؛ اما تبادل اطلاعات نظامی بخشی از راهبرد اروپا و آمریکا برای ارتقای اشراف اطلاعاتی بر یمن است. در همین حال وقتی خبرنگاران از مقامات آمریکایی درباره مؤثر بودن حملات بر توان حوثی‌ها سؤال کردند، آمریکایی‌ها به این نکته اشاره کردند که سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا سال‌ها از یمن فاصله داشتند و اهداف رهگیری شده در حمله آمریکا و انگلیس بر مبنای داده‌های قبل صورت گرفته است. در همین راستا یمن شهدا داده که از عبور تمام کشتی‌های دریای سرخ به سرزمین‌های اشغالی جلوگیری خواهد کرد و برنامه‌های ایجاد ائتلاف به رهبری آمریکا علیه نیروهای یمنی شکست خواهد خورد. ناظران سیاسی می‌گویند در یک عقب‌نشینی بزرگ در برابر ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده در دریای سرخ برای محافظت از عبور کشتی‌های تجاری متعلق به اسرائیل و اسرائیل، فرانسه، اسپانیا و ایتالیا رسماً از این ائتلاف خارج شدند. این سه کشور به صراحت تعهد خود را به فعالیت منحصراً تحت فرماندهی نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، ناتو یا اتحادیه اروپا اعلام کردند و تصمیم گرفتند با ایالات متحده متحد نشوند.

مکان زندگی و فضای ارتباطات انسانی هستند. آنها بستری برای تعامل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی‌اند، شهرها فقط مکان نیستند، بلکه اتمسفری برای رشد و پویایی هستند. پدیده مهاجرت و سرزنده نبودن شهروندان به معنای عصری کانونی دراز دست دادن متخصصان است و آن نداشتن برنامه برای آینده فردی و اجتماعی است که جامعه بتواند برای آن خود را تعریف کند.

مهم‌ترین پیامدهای مهاجرت نخبگان از کشور چیست؟

نخست باید مسأله را شناخت و اطلاعات مربوط به مسأله را در اختیار گرفت تا سوال اصلی پاسخ داده شود و آن این است که چرا برخی متخصصین و نخبگان تمایل به مهاجرت دارند یا در مسیر مهاجرت قرار گرفته‌اند. دوم آنکه راهکار پاسخ به این سوال از دست دادن کانون‌هایی است که این مهم را رصد می‌کنند و اطلاعات را در اختیار جامعه قرار می‌دهند یا تقویت این مراکز برای دریافت اطلاعات صحیح در جهت چرایی این موضوع. هردو نگاه نیازمند نگاه به استراتژی‌ها و راهبردهای کشور برای تقویت نیروهای متخصص و ارائه خدمات به آنها برای رسیدن به توسعه و پیشرفت و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها برجسته آنهاست. بر اساس آخرین آمار ۷۰ درصد نیروهای متخصص کلان در این امر با نوعی دشواری متخصص روبه‌رو خواهد شد. نگرانی این بخش بیشتر از آنجاست که عرصه پزشکی نیز جدا از این امر نبوده و مساله بهداشت و درمان که طی سی سال گذشته جزء نقاط قوت کشور محسوب می‌شد، اکنون با مهاجرت پزشکان و پرستاران به سوی مشکلات جدی حرکت می‌کند. براساس آخرین آمارها به گفته یکی از مسئولان درسال گذشته بیش از سه پزشک مهاجرت کردند. در این میان مهاجرت سایر تخصص‌های نظیر استارت‌آپ‌ها و... نیز قابل تامل است. وجود ظرفیت‌های خاصی که دیگر کشورها برای جذب متخصصین تدارک دیده‌اند از یکسو و کم‌توجهی به نیازهای آنها و تمرکز روی مسائل غیر اصلی موجب شده که مساله‌ای به این با اهمیت مورد توجه قرار نگیرد یا کمتر به آن پرداخته شود. ثروت یک کشور در سرمایه انسانی آن نهفته است. سرمایه انسانی صاحب دانش و تخصص بر بنده همه کشورها است از این رو است که بسیاری از کشورها امروزه درصدد جذب نخبگان و متخصصین هستند و با ایجاد ظرفیت‌های ویژه آنها را به کشور خود دعوت می‌کنند. به همین دلیل تلاش در جهت حفظ متخصصان با رویکردها تشویقی و ترغیبی و پیشگیری از روش‌های محدودیت را در جدی کنیم. مساله مهاجرت نخبگان بایستی از مسائل اساسی کشور باشد و نسبت به رفع مشکلات آنها با رویکرد تعاملی و رواداری و تشویق اقدام نمود. متخصصین کشور در هر رشته‌ای سرمایه‌ای غیر جایگزین هستند و ما باید باور کنیم که وجود آنها برای جامعه و تلاش آنها برای حل مسائل کشور انکارناپذیر است.